

اهالی فرهنگ و هنر این مرز و بوم، محسن چینی‌فروران را با حضور دو دهه‌ای او در مدیریت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان می‌شناسند. ذغغغه تربیت نسل آینده را می‌توان همراه همیشگی اندیشه دانست. مردی که برپار ترین سال‌های عمرش را در راه گسترش فعالیت‌های فرهنگی کودکان و نوجوانان گذراند؛ مسیری که در ایران، با توجه به بودجه‌های اندک فرهنگی و هنری، بسیار پرفراز و نشیب است؛ اما چینی‌فروران با تمام سختی‌ها ۱۸ سال سکان‌دار کانون پرورش فکری بوده و در این مدت، اقدامات بسیاری برای پچه‌های ایران انجام داده است. البته، فعالیت‌های او تنها در کانون خلاصه نمی‌شود. مسئولیت مجلات تربیتی آموزشی رشد، عضویت در شورای عالی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش کتاب‌های درسی، مدیریت دفتر انتشارات کمک آموزشی آموزش و پرورش و مسئولیت مدارس جمهوری اسلامی ایران در اروپا از دیگر فعالیت‌های فرهنگی چینی‌فروران است. وی همچنین در دوره چهاردهم و هجدهم جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان (سیفوز) و دوره‌های مقدمه، نوزدهم و بیست و دوم جشنواره بین‌المللی فیلم‌رشد، به‌عنوان داور حضور داشت تا نشان دهد در تمام امور فرهنگی –هنری مربوط به کودکان و نوجوانان تخصص دارد.

۴ چهره فرهنگی از محسن چینی‌فروران می‌گوید

نیز غافل نبود. نمونه این امر را می‌توان در عروسک‌های سارا و دارا دید که با هويت ايراني توليد شدند»

وقتی به صباغ‌زاده از جذابیت‌های کم این عروسک‌ها گزاهه می‌کنم، پاسخ می‌دهد: «مسؤل دارم که سارا و دارا عروسک‌های کم تحرکی هستند و باید به‌عنوان عروسک ملی، بیشتر روی آن‌ها کار شود، اما وقتی از زاویه نگاه آقای چینی‌فروران به مسئله نگاه کنید، به نکات تازه‌ای می‌برسید، او به این فکر می‌کرد که ما در رقابت با کشورهای خارجی، اسباب‌بازی برای بچه‌های مان نداریم. در نتیجه با وجود شرایط سخت در ایران و در حالی‌که حتی خودمان فناوری تولید نداشتیم و مجبور بودیم برای ساخت دارا و سارا به چین سفارش بدهیم، تمام تلاش را به کار بست تا فرزندان ما اسباب‌بازی‌های با هويت ملی داشته باشند.»

او ادامه می‌دهد: «برخی قویت به این فکر می‌کنند که این عروسک‌ها سنگین‌اند، بی‌تحرکند، آواز نمی‌خوانند، اما همه این‌ها فقط مشتق از خوراک است. آن‌چه مهم است، نگاه نخبه‌انه این مرد به اسباب‌بازی بچه‌های ایرانی، در دنیا، وفتلسای امروز است که در نیایی که خبری عروسکی به بازار عرضه می‌کند که زنده است؛ موجودی بین انسان و حیوان به نام «جن پت»؛ در واقع، یک حیوان خانگی که ساخته شرکت‌هاست. این عروسک‌ها جان دارند، خون تپ می‌زند، رگ‌های‌شان جاری است. حس دارند، روح می‌برند، می‌توانند با آدم‌ها ارتباط برقرار کنند و بعد از یک تا سه سال می‌میرند. همه این‌ها از پیوند زنتیکی چند حیوان مختلف پدید آمده است. من نمی‌خواهم در این جا به آسپه‌های چنین اسباب‌بازی‌ای با تأثیری که در شکل‌دهی به نگارش فرزندان ما درسه‌ار مبداء خلقت دارد، بپردازم. تنها می‌فهمم و پیچیده‌ام که این مسائل را می‌فهمد و به آن‌ها توجه می‌کند، قابل



تقدیر است؛ ولسو این‌که عروسک‌های سارا و دارا از قابلیت‌های بالایی برخوردار نباشند.»

صباغ‌زاده بسیاری از اقدامات چینی‌فروران را شجاعانه می‌داند و می‌گوید: «هنس زدن به تغییر و تحول در عالم کودکان، شجاعت زیادی می‌خواهد. برای مثال او مبتکر کلاس‌های فلسفه برای کودکان بود. نه این‌که آن‌ها را مجبور به مطالعه مسائل سنگین فلسفی کند، بلکه در این کلاس‌ها با ساده کردن مباحث فلسفی، سعی می‌کرد بچه‌ها را به‌طور غیرمستقیم به تفکر وادارد. شاید بیش از این کمتر کسی حاضر بود بوجه وقتش را برای چنین کاری هزینه کند.» وی اضافه می‌کند: «هرگز ندانم تاتر به کانون از اقدامات دیگر او بود. همچنین باید به گسترش کانون زبان اشاره کرد که با استقبال خوبی روبرو شد.»

مشاور بانوان کانون پرورش فکری، به اتفاق مهم دیگری هم اشاره می‌کند و آن، چند برابر شدن کتابخانه‌های کانون است. صباغ‌زاده در این‌باره می‌گوید: «ها در سال‌های گذشته، شاهد تأسیس کتابخانه‌های بسیار روشمند و مریز بودیم که کتاب را تا نقطه صفر مرزی به دست بچه‌های می‌رساند. همچنین نشریاتی در شهرستان‌ها منتشر شد که گاهی در آن‌ها اشعار و داستان‌های بچه‌ها را چاپ می‌کردند. یکی دیگر از کارهای جالب او هويت‌بخشی به بخش‌های فرهنگی که به‌عنوان من اهمیت زیادی داشت. همه این‌ها را وقتی کنار هم بگذارید، با چاشنی خودموردی – که صفت بارز اوست – می‌بینید از این شخصیت زحمتکش، فردی دوست‌داشتنی، محترم و قابل اعتماد می‌سازد.»

صباغ‌زاده به همکاری کانون با آموزش و پرورش نیز می‌پردازد و می‌افزاید: «طرح کانون – مدرسه در دوره مدیریت چینی‌فروران تدوین شد که اجرائی آن، نتایج خوبی به همراه داشت. مدارس هم استقبال و همکاری زیادی با ما داشتند. این مسئله نشان می‌دهد که کانون، ظرفیت ایفای نقش و ارائه خدمات، در عرصه‌های گوناگون فرهنگی دارد. برای نیل به این مقصود، تنها کافی است سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف با ما همکاری کنند.»

صباغ‌زاده در چینی‌فروران را می‌شناسد، به خصوصیات فردی او اشاره می‌کند و می‌گوید: «همکاری با او برای من بسیار بی‌ذغغه بود. هرگزگاه برخوردی بین مدیران پیش می‌آمد. آقای چینی‌فروران با تدبیر و تیزهوشی، دو طرف ماجرا را نگاه داشت و بین کارمندانش روابط خوبی برقرار می‌کرد. او بر برای من همیشه حکم شخص اصلی را دارد که همچنان به مثال‌های والای انسانی پایبند است. برای من، او از حیایات جوهرمردانه‌اش از دیگران نام برد. چه جدا موفقی که این اخلاقی به ضررش تمام شده. اما آن زبان، تغییری در رویه او ایجاد کرده است.»

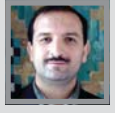
این نویسنده کودکان و نوجوانان

اضافه می‌کند: «هنس درباره مردی حرف می‌زنم که هنوز هم بعد از ظهرهای جمعه از مدیران کانون ییاد می‌کند و از دلگتگی‌هایش برای انتظار می‌گوید. طبیعی است که چنین شخصی، دوره خوشی را با همکاریاش پشت سر گذاشته و بر از برخورد‌های انسانی و زیبایی‌است که به ما برای کار کردن انرژی می‌داد، او را همه چیز خیر داشت؛ از تمام کارمندان زندگی و مسائل‌شان. همیشه هم تا جایی که می‌توانست آن‌ها کمک می‌کرد و در فکر گروه‌گشایی از مشکلات‌شان بود.» صباغ‌زاده اعتقاد دارد این کانون است که آدم‌ها را می‌سازد. از این رو درباره رفتن چینی‌فروران از این مجموعه چنین یاد می‌کند: «طبیعی است که مدیر جدید هم کارهای مدیریت قبلی را دنبال می‌کند. گرچه نگاه و سلیقه‌ی خاصی خودش را دارد، اما در کل، تغییر خاصی ایجاد نشده است. به نظر می‌رسد این کانون است که کتابخانه‌ها گرفته تا مدیر عامل، یعنی فضا و چیدمان این عناصر فرهنگی و هنری در آن، به نظر می‌رسد این کانون است که به اتفاق مهم دیگری هم اشاره می‌کند و آن، چند برابر شدن کتابخانه‌های کانون است. صباغ‌زاده در این‌باره می‌گوید: «ها در سال‌های گذشته، شاهد تأسیس کتابخانه‌های بسیار روشمند و مریز بودیم که کتاب را تا نقطه صفر مرزی به دست بچه‌های می‌رساند. همچنین نشریاتی در شهرستان‌ها منتشر شد که گاهی در آن‌ها اشعار و داستان‌های بچه‌ها را چاپ می‌کردند. یکی دیگر از کارهای جالب او هويت‌بخشی به بخش‌های فرهنگی که به‌عنوان من اهمیت زیادی داشت. همه این‌ها را وقتی کنار هم بگذارید، با چاشنی خودموردی – که صفت بارز اوست – می‌بینید از این شخصیت زحمتکش، فردی دوست‌داشتنی، محترم و قابل اعتماد می‌سازد.»

صباغ‌زاده با تقدیر از زحمات فرهنگی چینی‌فروران می‌گوید: «باید امکاناتی در اختیار افرادی مثل او بگذارند تا بتوانند فضاهای هنری و فرهنگی بچه‌های مبتنی بر تفکر و اندیشه‌هایشان ایجاد کنند. چنین اقداماتی می‌تواند مکمل خوبی برای اقدامات مجموعه‌های نظیر این‌ها، آموزش و پرورش باشد.» وی علاوه بر تمام این‌ها از چینی‌فروران به‌عنوان یک مترجم برجسته یاد می‌کند و در کنار یک به ۲۰ عنوان کتاب ترجمه‌ای در کارنامه خود دارد، نوشته‌هایی که روح شناخت و آگاهی وی از جهان کودکان و نوجوانان در تمام آن‌ها جریان دارد. صباغ‌زاده می‌گوید: «خودم من به‌عنوان یک نویسنده، همیشه دوست دارم کارهایم پیش از چاپ، از فیلتر نگاه خیره او بگذرند. دست‌کم کارهای برجسته‌ام را چندین بار قبل از چاپ به او نشان دادم و با اولین کسی است که کتابم را بعد از انتشار تقدیم او کردم.»

یابک نیک‌طلب:

کاش امکانات بیشتری به او می‌دادند



یابک نیک‌طلب، شاعر کودکان و نوجوانان و از کارشناسان ادبی کانون است. او ثمرات عملکرد چینی‌فروران در حوزه انتشار کتاب‌های کودک و نوجوان را عموماً در ارتباط وی با مشاوران و نویسندگان این حوزه، در شناختش از این

مسئله‌می‌داند.

نیک‌طلب نظرش را این‌گونه بیان می‌کند: «یک مدیر موفق می‌تواند با اعتماد به مجموعه، راه پیشرفت را فراهم ساخته و امکان ارائه آثار و فعالیت در زمینه‌های گوناگون فرهنگی – هنری را برای آن‌ها به وجود آورد؛ به‌ویژه آن‌که کانون، اسکان زیاده از نظر مالی برای فعالیت‌های آن‌ها، سال‌ها پس از آن که با فرازوتشیب‌های مجموعه‌های دولتی، کار آسانی نیست می‌توانستند، بوجه

بیشتری را از طرف مجلس یا وزارت آموزش و پرورش به چنین مراکز اختصاص دهند تا قسمت‌های مختلفی آن فعال شود.» نیک‌طلب با اشاره به عملکرد چینی‌فروران در کانون ادامه می‌دهد: «پس از انقلاب اسلامی، کانون در بسیاری از قسمت‌ها پیشرفت چشم‌گیری کرده است و توانسته از لحاظ کیفی و کمی در سراسر ایران گسترش پیدا کند، ولی می‌توانست رشد بیشتری داشته باشد؛ اگر امکانات بهتر، در اختیار چینی‌فروران قرار می‌گرفت، چه انتظاری می‌توان از مدیری داشت که امکانات لازم برای تولید اثر هنری و ترویج آن بین دانش‌آموزان را نداشته باشد؟ هرقدران سنگر مستحکم‌تر باشد و امکانات و تدارکات توری‌وری در اختیارش بگذراند، نتایج بهتری حاصل می‌شود.»

این شاعر نام‌آشای کودکان و نوجوانان اضافه می‌کند: «سرو کلسون در برابر ۷۰۰ کتابخانه دارد و همواره بیشتر مریبان آن‌ها زن بوده‌اند. بیسان می‌کند «جدلیل ماندگاری و پایداری زنان در حرفه سخت مریبگری که با خلق و خوش‌شان سازگار است و نیز قناعت معاش – که ویژگی بارز مریبان ماست – همواره زنان، این سمت را به عهده داشته‌اند. برای من همیشه این پرسش مطرح بود که آیا مریبان که کار مهم و خظیر رشد و شکوفایی کودکان نوجوانان سرزمین‌مان را برعهده دارند، استحقاق این را ندارند که به آموزش‌های کمی مهربانه‌تر رسیدگی شود؟ آقای چینی‌فروران در تمام دوران مدیریت‌شان به صرفاقت نیفتادند که از نزدیک با مسائل و مشکلات آن‌ها آشنا شوند.»

انصاریان اعتقاد دارد که توجهات مدیر پیشین کانون به زنان، از زاویه نگاه مردانه بوده است و اظهار می‌کند: «هرچند او به امور مریبان توجه نشان می‌داد و سالی یک بار با انتخاب مربی نمونه و موفق، آن‌ها را نوازش می‌کرد، اما این توجه ناگهفی، همواره از دریچه چشم مردان و با رویکردی مردانه انجام می‌شد. هیچ‌گاه کسی نبود تا زنان، سختی‌های کارشان را با او در میان بگذارند و راه‌حلی بیابند.»

وی ادامه می‌دهد: «رکائونی کسی بود، چراکه معتقد است، گفتارهای کار چینی‌فروران، همواره آن را خزانده‌ی مطلب می‌کرد و مریباتش را پدر، به‌دلیل این خلأ مدیریتی یا خودمانی‌تر بگویم، نگاه پدرانه، مراکز فرهنگی‌ها که فرصت‌گشایی پیدا نکرد و چه نبروهایی که در سابه سنگین و خشن مدیریت‌های مردانه هرز نرفت؛ اما با او چنان و فیلم و کتاب‌های آموزشی مبتنی که از بچه‌های این مرز و بوم دریغ نشد!»

وی ادامه می‌دهد: «گسترش چشمگیر مراکز فرهنگی کشور در دوران مدیریت چینی‌فروران از یک سو و دریافت جوایز متعدد ملی و بین‌المللی در حوزه کتاب و فیلم و سبوس و فیلم، معیار خوبی است که با استناد به آن‌ها می‌توان بدون تردید

مدیریت او را موفق ارزیابی کرد، اما از قدیم گفته‌اند، «سفره نیفتاده یک عیب دارد و سفره افتاده چندین عیب»؛ بسیاری هستند که مدعی‌اند و به مدیران گذشته انتقاد می‌کنند، اما باید دید وقتی خود، سفره را پهن می‌کنند، چه در آن می‌گذرانند. بنابراین، این عیب‌جویی‌ها نه هنر است، نه فایده‌ای دارد. اگر هم به گذشته نگاه می‌کنیم، باید از این منظر باشد. نه این که با گفتن عیب دیگران، خود را صاحب‌کمال آسانی نیست می‌توانستند، بوجه

بیشتری را از طرف مجلس یا وزارت آموزش و پرورش به چنین مراکز اختصاص دهند تا قسمت‌های مختلفی آن فعال شود.» نیک‌طلب با اشاره به عملکرد چینی‌فروران در کانون ادامه می‌دهد: «پس از انقلاب اسلامی، کانون در بسیاری از قسمت‌ها پیشرفت چشم‌گیری کرده است و توانسته از لحاظ کیفی و کمی در سراسر ایران گسترش پیدا کند، ولی می‌توانست رشد بیشتری داشته باشد؛ اگر امکانات بهتر، در اختیار چینی‌فروران قرار می‌گرفت، چه انتظاری می‌توان از مدیری داشت که امکانات لازم برای تولید اثر هنری و ترویج آن بین دانش‌آموزان را نداشته باشد؟ هرقدران سنگر مستحکم‌تر باشد و امکانات و تدارکات توری‌وری در اختیارش بگذراند، نتایج بهتری حاصل می‌شود.»

این شاعر نام‌آشای کودکان و نوجوانان اضافه می‌کند: «سرو کلسون در برابر ۷۰۰ کتابخانه دارد و همواره بیشتر مریبان آن‌ها زن بوده‌اند. بیسان می‌کند «جدلیل ماندگاری و پایداری زنان در حرفه سخت مریبگری که با خلق و خوش‌شان سازگار است و نیز قناعت معاش – که ویژگی بارز مریبان ماست – همواره زنان، این سمت را به عهده داشته‌اند. برای من همیشه این پرسش مطرح بود که آیا مریبان که کار مهم و خظیر رشد و شکوفایی کودکان نوجوانان سرزمین‌مان را برعهده دارند، استحقاق این را ندارند که به آموزش‌های کمی مهربانه‌تر رسیدگی شود؟ آقای چینی‌فروران در تمام دوران مدیریت‌شان به صرفاقت نیفتادند که از نزدیک با مسائل و مشکلات آن‌ها آشنا شوند.»

انصاریان اعتقاد دارد که توجهات مدیر پیشین کانون به زنان، از زاویه نگاه مردانه بوده است و اظهار می‌کند: «هرچند او به امور مریبان توجه نشان می‌داد و سالی یک بار با انتخاب مربی نمونه و موفق، آن‌ها را نوازش می‌کرد، اما این توجه ناگهفی، همواره از دریچه چشم مردان و با رویکردی مردانه انجام می‌شد. هیچ‌گاه کسی نبود تا زنان، سختی‌های کارشان را با او در میان بگذارند و راه‌حلی بیابند.»

وی ادامه می‌دهد: «رکائونی کسی بود، چراکه معتقد است، گفتارهای کار چینی‌فروران، همواره آن را خزانده‌ی مطلب می‌کرد و مریباتش را پدر، به‌دلیل این خلأ مدیریتی یا خودمانی‌تر بگویم، نگاه پدرانه، مراکز فرهنگی‌ها که فرصت‌گشایی پیدا نکرد و چه نبروهایی که در سابه سنگین و خشن مدیریت‌های مردانه هرز نرفت؛ اما با او چنان و فیلم و کتاب‌های آموزشی مبتنی که از بچه‌های این مرز و بوم دریغ نشد!»

مهدی باقری:



مهدی باقری، این روزها هم در کنار مدیر سابق کانون است. او که سال‌های زیادی، مدیریت روابط عمومی کانون را برعهده داشت، حالا هم در بوستان کتاب، بار صمیمی چینی‌فرورانی است که نزدیک به ۲۰ سال سابقه همکاری با او دارد.

باقری ادعا می‌کند که اندوخته‌هایش در حوزه فرهنگ و هنر را مدعیان چینی‌فروران است. او می‌گوید: «وی با برداری، متانت و سعه صدر خود، تأثیر به‌سزایی بر افکار و رفتار آقایان می‌گذاشت و مجموعه این ویژگی‌ها، استادی ایشان از او ساخته بود.» وی با اشاره به وضعیت آن‌ها، چینی‌فروران در حوزه کودکان و نوجوانان اظهار می‌کند: «فتشار بسیاری از آثار موجود برای این گروه سنی، ناشی از زحمات اوست. من ۳ سال مسئولیت تولید را در کانون بر عهده داشتم و شاهد تلاش‌های بی‌وقفه مدیر عامل کانون در این زمینه بودم.»

باقری ادامه می‌دهد: «چینی‌فروران در گسترش مراکز فرهنگی – هنری نیز زکورد بالایی از خود به جا گذاشت، به‌طوری‌که در رسد وورش به کانون، ۳۳۰ کتابخانه وجود داشت و وقتی که مسئولیت را به مدیر بعدی تحویل داد، تعداد آن‌ها به ۸۵۰ واحد رسیده بود.»

او یادآوری فعالیت‌های چینی‌فروران در وزارت آموزش و پرورش، اضافه می‌کند: «واگذاری مدیریت مجلات رشد به او، تحول بزرگی را به دنبال داشت. تنوع موضوعات و انتشار مجلات دانش‌آموزی، ویژه کودک، نوجوان، جوان و حتی مجله رشد معلم، نمونه‌هایی از خدمات ارزنده او در زمان مسئولیتش است.»

وی با تأکید بر افزایش توجه جامعه به کودکان نسبت به دهه‌های گذشته، عنوان می‌کند: «در دوره مدیریت چینی‌فروران، جشنواره‌های بسیاری برای کودکان طراحی شد که بسیاری از آن‌ها جنبه بین‌المللی دارند، مانند جشنواره یونانایی و قهقه گوئی، در واقع، هر یک از آن‌ها پهنانه هستند تا نگاه جامعه به کودکان و نوجوانان معطوف شود.»

تغییر مدیریت با استعفا باقری همراه بود، چراکه معتقد است، گفتارهای کار چینی‌فروران، در کنار هیچ فرد دیگری تکرار نخواهد شد. وی چینی‌فروران را سرزید برادرش و مدیری لایق، دانا و باهوش توصیف می‌کند و درباره همکاری با چنین فردی می‌گوید: «کل با او چنان جذاب بود که توانم معانی آثار خود را از دست می‌داد.»

در کانونی که

چینی‌فروران همواره

آن را خانواده‌ی ختاب

می‌کرد و مریباتش

را پدر، به‌دلیل این

خلأ مدیریتی با

خودمانی‌تر بگویم،

نگاه پدرانه، چه

قابلیت‌ها که فرصت

شکوفایی پیدا نکرد

و چه نبروهایی که در

سابه سنگین و خشن

مدیریت‌های مردانه

هرز نرفت؛ اما در حل‌ها

که ننکشت و چه

انرژی‌های مثبتی که

بوم دریغ نشد

پنجره شماره ۵۴

ارچ نامه

چینه‌فروران

۴۳